

ماهیت حقوقی وجه التزام و تعدیل آن در حقوق ایران و فرانسه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۶/۱۹

مصطفی هراتی*

چکیده

قانون مدنی ایران و فرانسه تضمین‌های متعددی را به منظور اجرای تعهدات قراردادی در نظر گرفته‌اند که وجه التزام از جمله آنهاست. ماهیت حقوقی ضمانت عدم ایفاء تعهد یا تأخیر در اجرای تعهدات، موضوع بررسی بسیاری از پژوهش‌های حقوقی بوده است. موضوع از آن جهت حائز اهمیت است که در برخی موارد مبلغ وجه التزام از ارزش تعهدات متعهد بیشتر است و عدم توازن در ارزش اقتصادی میان تعهدات نائسی از عقد و وجه التزام قابل مشاهده است. از سوی دیگر در حقوق ایران اختیار و قدرت قاضی از جهت تجدیدنظر در آن محدود است؛ البته برخی از محاکم در مقام مواجهه با وجه التزام غیر معقول، به عدم پذیرش مطلق آن نظر دارند. حقوق فرانسه در اصلاحات اخیر اشاره به آن دارد که وجه التزام نوعی تضمین قراردادی در اجرای تعهدات طرفینی است و طرفین قرارداد مبلغ آن را با اراده کامل تعیین می‌کنند، از سوی دیگر قانونگذار در بندهای دیگر اشاره به آن داشته است که دادرسی اختیار تعدیل وجه التزام را دارد؛ حتی در زمانی که مبلغ توافقی نسبت به ارزش اقتصادی کمتر باشد دادگاه می‌تواند به مبالغ بیشتری حکم کند. با وجود این همچنان ابهام‌هایی از جهت شناسایی ویژگی کیفی وجه التزام و تمایز آن از سایر ضمانت‌اجراهای عدم اجرای تعهدات باقی مانده و تبیین نشده است. در حقوق ایران بدون اینکه قانونگذار ماهیت آن را تبیین نماید صرفاً با اقتباس از حقوق فرانسه این مفهوم وارد نظام حقوقی ما شده است. تجزیه و تحلیل وجه التزام از نگاه تاریخی و تحولات حقوقی آن در حقوق فرانسه و امکان اعمال آن در حقوق ایران انگیزه این پژوهش را تشکیل می‌دهد؛ به خصوص آنکه قسمت مهمی از دعاوی اقامه‌شده مرتبط با وجه التزام بوده که لازم است قانونگذار خلأهای قانونی در این باره را مرتفع سازد و از دیدگاه سنتی خویش صرف نظر کند.

واژگان کلیدی: تعدیل، خسارت، قرارداد، وجه التزام، وفای به عهد.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی از فرانسه (harati.mostafa@yahoo.com).

مقدمه

طرفین در متن قرارداد شروط متعددی را قید می‌کنند و در صورتی که این شروط برخلاف قانون و اصول اساسی حقوقی نباشد، طرفین مکلف و پایبند به آنها هستند. این شروط تمام مراحل از زمان انعقاد تا اجرا را تحت پوشش قرار می‌دهد. شرط وجه التزام از جمله آنهاست و طرفین قرارداد در هنگام انعقاد قرارداد بر این موضوع توافق می‌کنند که چنانچه عدم اجرای تعهدات یا تأخیر در اجرای قرارداد به وجود آید، متخلف متعهد به پرداخت مبلغی معین به عنوان خسارت می‌شود. چنین شرطی را می‌توان در انواع مختلف عقود اعم از قرارداد داخلی، بین‌المللی، مدنی، اداری، آنی یا مستمر قید کرد، اما ضرورت دارد که در چهارچوب مواد قانونی تنظیم گردد. همچنین در برخی موارد، شروط مشابه وجه التزام در قرارداد مشاهده می‌شود، ولیکن ماهیت متفاوتی دارد. از نگاه رویه قضایی آرای متفاوتی در مورد وجه التزام صادر شده است و در برخی مواقع دیوان عالی فرانسه در مواردی نقش تعیین‌کننده در تعریف ماهیت وجه التزام داشته است (9 Cass. Ire civ., 9 mars 1977: Bull. civ. I, n° 126). دادگاه‌ها نیز برخی از عقود را که به صراحت از این نوع تضمین نام آورده‌اند مورد شناسایی قرار نداده، ولی عقود دیگری را که نامی از وجه التزام نیاورده‌اند، در عمل وجود شرط را در آن محرز دانسته‌اند (10 CA Colmar, Ire ch., 26 janv. 1983: JurisData n° 1983-040401).

۱۳۶

قانون مدنی ایران و فرانسه هرکدام سعی در ارائه مفهومی از تضمین قراردادی داشته‌اند. ماده ۲۳۰ قانون مدنی صرفاً به این نکته اشاره دارد که حدود اختیارات محاکم در این باره محدود است و امکان تغییر در مبلغ وجود ندارد. قانون مدنی قدیم فرانسه نگاهی متفاوت به این تأمین قراردادی دارد. سابقاً ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی ضمن ارائه توصیفی از وجه التزام، امکان تعدیل آن را هم در نظر

۱. سؤالی که به ذهن می‌رسد آن است که کلمه شرط به کاررفته در وجه التزام به چه معنایی است؟ آیا باید آن را به همان معنای متعارف حقوقی به کار برد؟ شرط امری است محتمل الوقوع در آینده که طرفین حدود اثر حقوقی آن را متوقف بر حدوث امر محتمل الوقوع در نظر می‌گیرند. شرط در علم اصول به معنای هر امری اطلاق می‌شود که وجود آن برای تحقق امر دیگری لازم است و در اصطلاح حقوق و فقه به معنی مطلق تعهد می‌باشد. در متون حقوقی فرانسه وجه التزام در قالب نوعی التزام ضمن قرارداد مورد شناسایی حقوق دانان قرار گرفته که اعتقاد بر آن داشتند که اصل حاکمیت اراده خود زمینه‌ساز اعتبار تعهدات و شروط ضمن عقد است و نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز بر اعتبار آن صحه می‌گذارد. وجه التزام هرچند که با اصطلاح شرط به کار برده می‌شود، ولی نمی‌توانیم آن را از نظر معنایی با مفهوم کلی از شرط یکسان در نظر بگیریم.

گرفته بود. اما قانونگذار با اصلاحات قانونی سال ۲۰۱۶، رژیم قانونی وجه التزام را در سه بند به طور کامل توصیف کرده است و ماده ۵-۱۲۳۱ به این موضوع اختصاص دارد.^۱ از سیر تحول قوانین به این نتیجه می‌رسیم که به طور کلی دو دیدگاه در مورد وجه التزام وجود دارد: برخی از قانونگذاران وصف حقوقی را در نظر می‌گیرند و استدلال می‌کنند که وجه التزام با هدف جبران خسارات مادی تخطی از اجرای قرارداد در نظر گرفته شده است، اما دیگر قانونگذاران جنبه جریمه بودن آن را مهم‌تر دانسته، بر این باورند که بدون تغییر باید اعمال گردد.

امروزه شرط وجه التزام بسیار دارای اهمیت است؛ چراکه تغییرات شرایط اقتصادی و تحولات مداوم جامعه می‌تواند به عدم توانایی موقت یا دائمی متعهد به اجرای تعهدات خویش بینجامد و در پی آن به پرداخت مبلغ قیدشده در قرارداد محکوم شود؛ برای مثال در وضعیت حاد اقتصادی متأثر از عواملی همچون ویروس کرونا، بسیاری از تجار و شرکت‌ها با کاهش میزان قدرت اقتصادی روبه‌رو هستند و اجرای تعهدات قراردادی آنان با مشکلات عمده همراه خواهد شد. همچنین ممکن است قیمت مواد اولیه افزایش قابل توجهی پیدا کند و متعهد از ایفای تعهدات ناتوان شود. در این شرایط ضرورت دارد که قانون سازوکار لازم را در جهت تجدیدنظر در شرط تضمین در نظر بگیرد.

1. Article 1231-5 de code civile: Lorsque le contrat stipule que celui qui manquera de l'exécuter paiera une certaine somme à titre de dommages et intérêts, il ne peut être alloué à l'autre partie une somme plus forte ni moindre. Néanmoins, le juge peut, même d'office, modérer ou augmenter la pénalité ainsi convenue si elle est manifestement excessive ou dérisoire. Lorsque l'engagement a été exécuté en partie, la pénalité convenue peut être diminuée par le juge, même d'office, à proportion de l'intérêt que l'exécution partielle a procuré au créancier, sans préjudice de l'application de l'alinéa précédent. Toute stipulation contraire aux deux alinéas précédents est réputée non écrite. Sauf inexécution définitive, la pénalité n'est encourue que lorsque le débiteur est mis en demeure.

چنانچه به موجب قرارداد بین طرفین آن مقرر شده باشد که در صورت تأخیر اجرای تعهدات مبلغی به‌عنوان خسارت پرداخت شود، نمی‌توان به بیشتر یا کمتر از آن رأی صادر نمود. با وجود این بر اساس درخواست ذی‌نفع یا رأساً دادرسی می‌تواند در صورتی که تشخیص دهد مبلغ تعیین شده زیاد یا کم است، مبلغ متعادل را تعیین نماید. همچنین در صورتی که قسمتی از اجرای تعهدات صورت پذیرفته باشد میزان اجرای تعهدات در محاسبه مبلغ نهایی مبلغ موردنظر مؤثر خواهد بود. کلیه شروط برخلاف این بندها از منظر قانونگذار اساساً بی‌اعتبار است.

۱. ماهیت شرط وجه التزام

دیدگاه‌های حقوقی متفاوتی در مورد وجه التزام قراردادی ارائه شده است، اما سؤالات مهمی در خصوص ماهیت آن مطرح شده، از جمله اینکه این شرط مربوط به عدم انجام تعهد است یا تأخیر در اجرای تعهد نیز مطرح می‌شود؟ همچنین این تردید وجود دارد که آیا وجه التزام بدل تعهد اصلی است و با منتفی شدن اجرای اصل تعهد، صرفاً مبلغ قید شده در قرارداد قابل مطالبه است، یا این موضوع جنبه فرعی دارد و قابل مطالبه با اصل تعهد است و به‌عنوان تخطی از اجرای تعهد در نظر گرفته می‌شود؟ مجموعه این سؤالات به مرور و فراخور مطلب مورد پاسخ و تبیین قرار می‌گیرد.

ابتدا وجه التزام به‌عنوان کیفر تعریف شده و در قالب مجازات تخلف از انجام تعهد در نظر گرفته شده است. بر اساس همین موضوع، حقوق کشورهای اروپایی از شرط جزایی یاد می‌کنند. با مراجعه به تاریخچه علم حقوق علت در نظر گرفتن وصف جریمه‌ای آن قابل کشف است. قانونگذار فرانسه که از منابع لاتین خود نظیر حقوق روم الهام گرفته، اصطلاح شرط کیفری (Clause Pénale) را در قانون مدنی قید کرده است. در حقوق روم بیشتر مفاهیم حقوقی چهره کیفری دارند. رومیان در این اندیشه بودند که نفوذ دولت باید در جای‌جای زندگی اجتماعی وجود داشته باشد و حمایت‌های قانونی حتی در روابط خصوصی افراد گسترش پیدا کند. بر همین اساس در زمینه حقوق تعهدات نیز این موضع قابل مشاهده است. متعهدی که جامه عمل به تعهدات خویش نمی‌پوشاند شایسته هیچ‌گونه حمایتی از سوی قانون نیست و وصف کیفری عدم اجرای تعهد غلبه پیدا می‌کند (صفایی، ۱۳۹۸، ص ۲۰۹) و از طرف دیگر تناسب میان مبلغ وجه التزام و میزان خسارات وارده به متعهدله مطرح نیست. از جنبه حقوقی این نکته قابل ذکر است که در حقوق روم این شرط به‌عنوان توافقی مکمل (Pacte Adjoint) در نظر گرفته می‌شد که جنبه الحاقی به قرارداد اصلی داشت (Mazeaud, 1992, p.43). از سوی دیگر با توجه به اینکه وجه التزام محصول توافق طرفین قرارداد است، همانند سایر مفاهیم حقوقی به فرم و شکل خاصی برای درج در قرارداد مقید نیست و چنانچه به‌صراحت و یا به‌طور ضمنی با مذاقه بر قصد طرفین وجود شرط جزایی احراز گردد، آثار حقوقی آن جاری می‌شود.

نویسندگان فرانسوی به‌طور کلی بر دو ویژگی اساسی وجه التزام تأکید دارند؛ ویژگی اول بر جنبه جبران خسارت کیفری (Caractère Forfaitaire) تأکید دارد و متعهدله در صورت عدم اجرای

تعهد از سوی متعهد مستحق آن می‌شود، اما ویژگی دوم دلالت بر آن می‌نماید که متعهد به واسطه شرط مندرج در قرارداد ملزم به رعایت مفاد تعهدات (Caractère Comminatoire) خویش می‌شود؛ چراکه در صورت خودداری از اجرای عقد باید مبلغی مقطوع را بپردازد (Flour, Aubert, Savaux, 2015, p.255). وجود این دو شرط به این لحاظ ضرورت دارد که موجب تمایز میان شرط جزایی با سایر شروط قراردادی می‌شود، همچون حق انصراف (Faculté de Dédit) که دارای آثار مشابه با وجه التزام است.

۲. تمایز وجه التزام از دیگر مفاهیم حقوقی مشابه

وجه التزام با سایر مفاهیم حقوقی دارای مشابهت‌های می‌باشد اما از نظر ماهیتی تفاوتی اساسی میان آنها وجود دارد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌دهم.

۲-۱. حق انصراف و وجه التزام

انصراف در لغت به معنای بازگشتن و مراجعت کردن است، اما این واژه در زمینه‌های مختلفی به‌کار می‌رود و عموماً به‌عنوان یک حق برای ذی‌نفع در نظر گرفته می‌شود که از حق و ماهیت حقوقی ایجادشده صرف‌نظر می‌نماید. در متون حقوقی ایران اشاره خاصی به این حق از نگاه تخصصی نشده است، اما در حقوق کشورهای دیگر به‌خصوص فرانسه در حوزه حقوق تجاری و قراردادها به‌عنوان یک مفهوم حقوقی دارای رژیم کامل قانونی و حقوقی شناخته می‌شود. حق انصراف در متون بین‌المللی دارای جایگاه ویژه‌ای است. مواد ۹، ۱۰ و ۱۶ دستورالعمل ۲۰۱۱/۳/۸۳ EU پارلمان اروپا و ماده ۱۴ کنوانسیون استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی به ماهیت حقوقی آن اشاره داشته است. در حقوق کشورهای اروپایی به‌ویژه مواد L221-18 تا L221-28 از قانون حقوق مصرف‌کننده فرانسه اشاره بر آن دارد که خریدار ظرف مهلت زمانی ۱۴ روز از زمان انعقاد عقد می‌تواند با مسترد کردن کالای خریداری‌شده عقد را پایان دهد.

در حقوق ایران، حق انصراف که برخی از حقوق‌دانان از آن به‌عنوان اختیار انصراف یاد کرده‌اند، مشابه وجه التزام است. ابتدا این حق در مورد قراردادهای الکترونیکی موضوع کنوانسیون، استفاده از ارتباطات الکترونیکی در قراردادهای بین‌المللی مصوب ۲۰۰۵ مجمع عمومی سازمان

ملل متحد در نظر گرفته شده بود (شعاریان ستاری و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۹)، اما به تدریج امکان اعمال این مفهوم حقوقی در سایر عقود مطرح شد و امروزه یکی از مباحث قواعد عمومی قراردادها را تشکیل می‌دهد و به‌عنوان یکی از شروط قراردادی شناخته شده است. حق انصراف ماهیتاً بر حسب آنکه از طریق اراده یک‌جانبه محقق می‌شود، نوعی احترام به اراده قراردادی هریک از طرفین است. در مقابل، این انتقاد مطرح شده که چنین شرطی برخلاف اصل الزام‌آور بودن عقود است و امنیت روابط قراردادی را در عمل مخدوش می‌کند. اما امروزه این نوع اختیار در انواع قراردادها قید می‌شود؛ اعم از اینکه قرارداد حرفه‌ای یا عادی بین عموم منعقد گردد و این امکان را فراهم می‌آورد تا متعهد در کلیه نتایج حاصل از قرارداد تأمل کند و یک اراده واضح و شفاف مبنی بر متعهد شدن داشته باشد. منتها مشکل اساسی در عدم تبیین حق انصراف از نگاه ترمینولوژی نهفته است. به‌طور معمول ریشه و اساس هریک از مفاهیم حقوقی نظیر مفهوم عقد مشخص است، اما اگر ریشه‌یابی در شناسایی اصطلاحات علم حقوق صورت نگیرد، این موضوع باعث می‌شود که گاه مفاهیم مشابه، یکسان در نظر گرفته شوند. در خصوص حق صرف‌نظر کردن نیز چنین شرایطی حاکم است. بسیاری از حقوق‌دانان در پذیرش این نوع اختیار اتفاق نظر ندارند و از سوی دیگر رویه قضایی مستحکمی نیز از سوی قضات محاکم فرانسوی اتخاذ نشده است (Boyer, 1983. p.41).

از نگاه بنیادین، حق انصراف ناشی از توافق طرفین است و می‌تواند برای هریک از طرفین قرارداد شرط شده باشد، لذا برخلاف سایر شروط، هدف از آن حمایت از طرف ضعیف در برابر شخص قوی نیست، بلکه ذی‌نفع در صورت تمایل می‌تواند مانع از نهایی شدن قرارداد بشود یا اینکه چنانچه قرارداد قطعی شده باشد حق انصراف مانع از آن خواهد بود تا عقد به مرحله اجرا برسد. اما دو نکته در این نوع حق دارای اهمیت است: اولاً نقش اراده یک‌جانبه قابل توجه است؛ طرف قراردادی با اراده خویش تحولی اساسی در عقد ایجاد می‌کند و طرف دیگر نمی‌تواند مانع از چنین اعمالی بشود. ثانیاً به‌طور معمول اثر هر حقی نسبت به آینده قابل تصور است، ولی انصراف از قرارداد عطف به ماسبق می‌شود و قرارداد را از زمان انعقاد فاقد اثر می‌کند (Najjar, 1967. p.43).

تفاوت میان وجه التزام و حق انصراف با توجه به توصیفات پیش‌گفته مشخص می‌شود و اشخاص برخوردار از این شروط در وضعیت حقوقی مشابه نیستند. در وجه التزام با شرایطی روبرو هستیم که قرارداد به مرحله اجرا رسیده، منتها متعهد از اجرا خودداری می‌ورزد و رابطه حقوقی به

قوت خود باقی است، ولی در شرط انصراف رابطه قراردادی با اراده یک‌جانبه فاقد اثر می‌شود (صاحب و مرادی، ۱۳۹۹، ص ۱۱۶). متعهد در قراردادی که در آن وجه التزام قید شده، فاقد اراده لازم در تقابل است و بایستی پایبند به تعهدات خود باشد؛ البته این مهم در خصوص اصل لزوم قراردادهاست و متعاهدین باید پایبند به روابط حقوقی فی‌مابین خود باشند.^۱ مهم‌ترین مشکل تمایز این دو مفهوم حقوقی در عمل است. در یک پرونده حقوقی، باشگاه ورزشی بر اساس قرارداد خود با یکی از بازیکنانش متعهد شد چنانچه رابطه حقوقی آنان برای سه دوره کامل تداوم نداشته باشد، باشگاه مکلف به پرداخت مبلغ معینی بشود. در دعوی حقوقی، شرکت تعبیر حق انصراف از قرارداد را مطرح کرده بود که دیوان در رأی خود با این موضوع مخالفت کرد و این شرط را به‌عنوان وجه التزام در نظر گرفت؛ چراکه ماهیت شرط بر ایجاد التزام طرفین به قرارداد دلالت داشت و از طرف دیگر به‌واسطه نقض یک‌جانبه، به سایر خسارات قراردادی محکوم شده بود (Cass. com. 5-12-2018 n° 17-22. 346 F-D).

۲-۲. وجه التزام عینی و جریمه مالی یا خسارت تنبیهی

یکی دیگر از تفاوت‌های قابل‌توجه بین وجه التزام و نوع مشابه آن، وصف عینی (Clause Pénale en Nature) بودن است. وجه التزام ماهیتی دووجهی دارد که در عین اینکه دارای قدرتی الزام‌آور است و به‌عنوان محتوای قرارداد در نظر گرفته می‌شود و متعهد را مکلف به ایفا می‌نماید، ماهیت جبران خسارات وارده به متعهدله در اثر عدم اجرا را نیز داراست و به‌طور معمول وجه التزام در قالب تعیین مبلغی معین از سوی طرفین در نظر گرفته می‌شود. اما ضرورتاً پول به‌عنوان تنها شکل این شرط قراردادی نیست و ممکن است طرفین بر آن توافق داشته باشند که انجام کاری از سوی متعهد به نفع طرف دیگر به‌عنوان ضمانت اجرا صورت گیرد. این موضوع بر اساس قواعد عمومی قراردادها و عدم ممنوعیت از سوی قانونگذار قابل پذیرش است (Lemay, 2017, p.801)؛ برای مثال در عقد بیعی شرط بر آن می‌شود که متعهد در صورت عدم اجرای تعهد، خودرو

۱. در واقع، هدف این دو نهاد حقوقی متفاوت است. در حق انصراف ما بر اساس اصول کلی حقوق مصرف‌کننده، قصد حمایت از یکی از طرفین را داریم و می‌توانیم آن را استثنایی بر اصل لزوم قراردادها بدانیم، اما در وجه التزام که از آن به‌عنوان تضمین نیز یاد می‌کنیم، ما در صدد حفظ اصل استحکام عقود هستیم و شرایطی را دنبال می‌کنیم که تعهدات قراردادی به مرحله اجرا در بیاید.

خویش را به طرف دیگر بدون عوض منتقل نماید. دادگاه‌های فرانسوی در پذیرش چنین شرطی و اعمال آثار قانونی آن تردیدی ندارند، باوجود این تعیین رژیم حقوقی حاکم بر آن، مسئله حائز اهمیتی است. اساساً این سؤال مطرح می‌شود که آیا این نوع شرط قراردادی در واقع، همان وجه التزام در معنای عام است؟

قید وجه التزام عینی در قراردادها متداول نبوده، طرفین عقد عموماً به درج مبلغی پول به‌عنوان ضمانت اجرای عدم اجرای تعهدات تمایل دارند. ازسوی دیگر در تصور عموم نیز موضوع وجه التزام می‌تواند پرداخت وجه یا انتقال مالکیت یک شیء باشد (Laithier, 2004, p.431). هرچند که رژیم حقوقی متفاوتی با ضمانت اجرای جزایی در اصلاحات اخیر قانونی تبیین شد، ولی قانونگذار نسبت به جنبه عینی چنین شرطی صراحت نداشته و صرفاً وجه نقد بودن آن را مطرح کرده است. همچنین دکترین در زمینه تمایز بین این دو نوع تأسیس حقوقی، پژوهش برجسته‌ای انجام نداده است و شاید ماده ۱۱۵۲ سابق قانون مدنی فرانسه^۲ علت این موضوع باشد؛ چراکه این ماده مطلق بوده و به قاضی این اختیار داده شده است که بتواند وجه التزام غیر متعارف را تغییر دهد و آن را با شرایط قراردادی منطبق سازد.

حقوق دانان در مورد ماهیت حقوقی وجه التزام عینی نظریات مختلفی ابراز داشته‌اند. ایده وثیقه یا تضمین محسوب شدن این نوع شرط مورد پذیرش اکثریت است (Lemay, 2017, p.806). در عمل وجه التزام نقد، تضمینی در جهت اجرای تعهدات قراردادی است و متعهد به واسطه اعمال

2. Ancien art. 1152 (Abrogé par Ord. no 2016-131 du 10 févr. 2016, à compter du 1er oct. 2016) Lorsque la convention porte que celui qui manquera de l'exécuter payera une certaine somme à titre de dommages-intérêts, il ne peut être alloué à l'autre partie une somme plus forte, ni moindre. (L. no 85-1097 du 11 oct. 1985) «Néanmoins, le juge peut, même d'office, modérer ou augmenter la peine» (L. no 75-597 du 9 juill. 1975) «qui avait été convenue, si elle est manifestement excessive ou dérisoire. Toute stipulation contraire sera réputée non écrite».

در ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی سابق در خصوص ماهیت وجه التزام مشعر بر آن است که زمانی که در قرارداد از باب عدم اجرای تعهدات مبلغی باید بابت جبران خسارت پرداخت شود، به کمتر یا بیشتر نمی‌توان مطالبه کرد. اما قاضی بر اساس دعوی اقامه‌شده و حتی رأساً می‌تواند مبلغ وجه التزام را پایین یا بالا ببرد در صورتی که تشخیص دهد مبلغ قیدشده از جهت زیاده یا کم بودن قابل پذیرش نیست و کلیه شروط خلاف چنین موضوعی باطل است. بنابراین مشاهده می‌شود که برخلاف حقوق ایران، در قانون مدنی سابق فرانسه اختیارات گسترده‌ای به قاضی جهت ایجاد تعادل اقتصادی بین عوضین اعطا شده است.

آن ملزم به عقد می‌شود، اما وجه التزام عینی ماهیتاً با حالت نقد بودن متفاوت، و به وثیقه بودن نزدیک‌تر است. در حقوق فرانسه دو رژیم حقوقی متفاوت نسبت به اموال منقول و غیرمنقول از لحاظ در رهن قرار گرفتن پیش‌بینی شده است. آنچه در وجه التزام عینی متداول بوده، منقول بودن موضوع آن است. قانونگذار با اصلاحات حقوق ناشی از عقد وثیقه در سال ۲۰۰۷، ضرورت وجود حکم دادگاه مبنی بر تصاحب مالکیت موضوع مال وثیقه برای طلبکار را برداشته است و متعهدله بدون نیاز به حکم دادگاه می‌تواند مالکیت را به‌دست آورد. لذا با چنین تغییری، وثیقه محسوب کردن وجه التزام عینی هموارتر گردید؛ چراکه ماهیت چنین شرطی بر ایجاد حق عینی مستقر به‌خودی خود با ارتکاب تقصیر از جانب متعهد دلالت دارد (Herbet, 2007, p.2052).

جریمه مالی از جمله دیگر نهادهای حقوقی مشابه وجه التزام است. اجرای اختیاری و ارادی، رکن اساسی هر عقدی را تشکیل می‌دهد. اصل حسن نیت نیز ایجاب می‌کند هر متعهدی رأساً نسبت به ایفای تعهدات خویش اقدام ورزد و الزام اجباری اجرا به‌عنوان اولین راهکار در نظر گرفته می‌شود. قانونگذار به‌منظور تأمین این هدف اولیه راهکار متفاوتی را تعریف کرده که جریمه مالی قراردادی (Astreinte Conventionnelle) یکی از آنهاست. درخصوص ارتباط میان نهاد اخیر و ماهیت حقوقی وجه التزام نظریات متفاوتی ابراز شده است (Khalak, 2018, p.376). کربونیه، استاد فرانسوی، تعبیر بسیار زیبایی از این ضمانت اجراها دارد. وی هدف از این ابزارهای مالی را تحت فشار قرار دادن اراده طرفین عقد در جهت ایفای تعهدات دانسته که در واقع تأکیدی بر اجرای اجباری قرارداد است (Carbonnier, 2017, p.1918). منتها تفاوت اصلی در آن است که وجه التزام ریشه قراردادی دارد، ولی جریمه مالی مفهومی عمدتاً قضایی شمرده می‌شود و در مرحله اجرای حکم، خسارت تأخیر در اجرای تعهد را دادیار اجرای احکام محاسبه می‌کند و از سوی دیگر با آنکه دادرسی اختیار تغییر مبلغ وجه التزام به‌منظور مطابقت با شرایط اقتصادی قرارداد را دارد، ولی در زمینه جریمه مالی از چنین امکانی برخوردار نیست.

جریمه مالی ممکن است جنبه قضایی (Astreinte Judiciaire) پیدا کند. در برخی مواقع، قضات برای اطمینان خاطر از اجرای احکام صادره مقرر می‌دارند در صورت تأخیر یا خودداری از اجرای حکم، به ازای هر روز مبلغ معینی به‌عنوان خسارت در نظر گرفته شود. اختیار قاضی در جهت تعیین جریمه مالی در احکامی که موضوع آن الزام به ایفای تعهدات قراردادی است، یکی از موضوعات مورد مناقشه است.

۳. آثار وجه التزام

شرط وجه التزام راهکاری در جهت مقابله با عدم اجرای قرارداد است. این موضوع در دیوان عالی کشور فرانسه نیز مورد اشاره قرار گرفته و بر آن تأکید شده است که در این شرط قراردادی، ماهیتاً طرفین بر این موضوع توافق می‌کنند که چنانچه تعهدی اجرا نشود، مبلغی از پیش تعیین شده و با ویژگی جبران خسارت قابل مطالبه خواهد بود و عدم اجرا شرط حال شدن آن است (Civ. Ire, 10 Oct. 1995, No.93-16. 869). اما نکته قابل توجه در نظر دیوان عالی آن است که عدم اجرا به عنوان جهت مؤثر وجه التزام تعیین شده است، در حالی که خود قرارداد به عنوان جهت و علت اصلی تمام تعهدات اصلی و فرعی در نظر گرفته می‌شود. در اینجا منظور از جهت در واقع علت و چرایی یک ماهیت حقوقی است. دیوان عالی کشور سبب ایجابی وجه التزام را در عدم اجرای تعهد جستجو می‌کرد و این در حالی است که در متون حقوقی و دکترین خود قرارداد منشأ ایجاد و توجیه تعهدات در نظر گرفته می‌شود (هراتی، ۱۳۹۹، ص ۳۸۵).

۳-۱. وجه التزام و دیگر ضمانت‌های قراردادی

وجه التزام دارای دو ویژگی توأمان است؛ از یک سو، تضمین قراردادی در ایفای تعهدات قراردادی است که در عمل، مفهوم اجرای اجباری تحقق پیدا می‌کند و از سوی دیگر مسئولیت قراردادی با الزام در پرداخت آن واقع می‌شود که ضرر ناشی از عدم اجرای عقد را جبران می‌کند. اما مشخص نمودن علت و جهت وجه التزام نقش مهمی در تعیین آثار اعمال آن دارد. دیوان عالی فرانسه نظر بر آن دارد که عدم ایفای تعهدات به عنوان جهت مطرح است و خود قرارداد فی نفسه در شکل ماهیتی آن جایگاهی ندارد (Com. 1974, Bull. civ. IV, n 78). بر این مبنا هر وقت خسارت و ضرری به وجود آید، این شرط ماهیت الزام آور پیدا می‌کند و به طور خاص عدم اجرا خود به مثابه ورود زیان تلقی می‌شود. همچنان که قانون مدنی سابق فرانسه در ماده ۱۲۲۹ بیان داشته است، امکان مطالبه هم‌زمان وجه التزام و اجرای تعهد اصلی ناشی از قرارداد وجود نخواهد داشت مگر آنکه خسارتی بابت تأخیر در اجرای تعهد به وجود آید و علاوه بر اجرای تعهدات قراردادی، وجه التزام در جهت جبران آن ضررها در نظر گرفته شود. همچنین فسخ عقد مانع از مطالبه این شرط مالی نخواهد بود؛ چراکه عدم اجرای عقد به طور مستقل اساس وجه التزام را به وجود آورده است و فسخ لاحق تأثیری در گذشته آثار حقوقی مرتبط با عقد ندارد (Civ. I re, 12).

مکلف گردد، امکان درخواست هم‌زمان وجه التزام با آن وجود نخواهد داشت؛ چراکه بدل تعهد، خود، ماهیت جبران خسارت دارد (févr. 1964, Bull. civ. I, n 82). اما چنانچه متعهد در عوض تعهد اصلی به پرداخت بدل تعهد،

مطالبه هم‌زمان وجه التزام و سایر ضمانت اجراهای قانونی و قراردادی مرتبط با عقد، از جمله مسائل مورد مناقشه بین حقوق‌دانان و دادگاه‌ها بوده است؛ خسارت تأخیر در تأدیه از آن موارد است. ماهیت این نوع خسارت با وجه التزام متفاوت است، اما امکان مطالبه توأمان این دو موضوع در رویه قضایی مورد اختلاف بوده است. در حقوق ایران، دادگاه‌ها درخواست هم‌زمان را مجاز نمی‌دانند. از نظر قضات جبران خسارت از طریق هریک از این روش‌ها محقق می‌گردد، لذا نباید موجبات سوءاستفاده فراهم شود (مقصودی و داودی، ۱۳۹۴، ص ۲۰). در حقوق فرانسه، ابتدا رویه قضایی همان نظر حقوق ایران را در پیش گرفته بود، اما به‌مرور زمان دادگاه‌های فرانسه دیدگاه مطالبه توأمان را مورد پذیرش قرار داده‌اند. در نهایت دیوان عالی فرانسه به‌موجب رأی صادره این حق را برای خواهان در نظر گرفت تا ذی‌حق در دو نوع ضمانت اجرا باشد، اما در رأی دیوان این تکلیف برعهده مدعی گذاشته شده است تا اثبات کند که وجه التزام و خسارت تأخیر در تأدیه هرکدام نوع خاصی از خسارت‌ها را جبران می‌کند. با مذاقه در نظر دیوان به این نکته رهنمون می‌شویم که با آنکه مانعی برای خواهان نباید وجود داشته باشد، اما این تجویز نباید موجب سوءاستفاده شود (Cour de cassation, 3e civ., 30 janvier 1979 ; Cour de cassation, 3e civ., 22 juillet 1998)؛ امری که در اصل ۴۰ قانون اساسی ذیل عنوان «سوءاستفاده از حق» مورد اشاره قرار گرفته است و استادان بزرگ حقوق ایران در مقام تلطیف قواعد حقوقی از آن مدد می‌جویند (کاتوزیان، ۱۳۵۸، ص ۱۰۶).

همچنین اجرای این شرط قراردادی ممکن است در تزامن با سایر نهادهای حقوقی باشد. قانونگذار در حقوق فرانسه در مقابل عدم اجرای قرارداد راهکارهای مختلفی به‌منظور الزام در اجرای تعهدات تعریف کرده که همگی در قالب اجرای اجباری قرارداد است. استثنا بر اجرای قرارداد (Exception D'inexécution) که از آن به‌عنوان حق حبس یاد می‌شود، از جمله آنهاست. امکان هم‌زمانی وجه التزام با این الزامات قراردادی در برخی از دعاوی مورد نقد قرار گرفته است. در یک پرونده که طرفین آن، قرارداد فروش ملکی را در سال ۲۰۰۸ تنظیم کرده بودند، فروشنده باید ظرف دو سال ملکی را که برای آسایشگاه در نظر گرفته شده بود به صورت کامل می‌ساخت و

تجهیز می‌کرد و در متن قراردادی وجه التزام از باب عدم اجرای تعهدات در نظر گرفته شده بود. خریدار به واسطه آنکه در وضعیت توقف از پرداخت دیون قرار گرفته بود از انجام تعهد مبنی بر پرداخت ثمن سر باز زد و طرف مقابل به استناد حق ناشی از استثنا بر اجرای قرارداد، اجرای تعهدات خویش را متوقف، و از طرف دیگر وجه التزام را نیز درخواست نمود (Ta, 2019, p.14). دادگاه تجدیدنظر اعمال هم‌زمان این دو نهاد حقوقی را مجاز ندانست؛ امری که موضوع رسیدگی مجدد دیوان عالی کشور فرانسه شد و قضات دیوان با استدلال مرحله تجدیدنظر مخالفت کردند و دعوی طرف مقابل را پذیرفتند. اساس نظر دیوان بر این نکته مهم قوام یافته بود که چنانچه فروشنده بتواند به حق خویش مبنی بر امتناع از تحویل ملک تا پرداخت دیون طرف مقابل استناد نماید و از طرف دیگر شرط وجه التزام نیز مجاز شمرده شود، تعادل اقتصادی قراردادی به هم نمی‌خورد و هرکدام از این نهادهای حقوقی هدف خاصی را دنبال می‌کنند. وجه التزام تضمینی در جهت اجرای تعهدات قرارداد است و استثنا بر اجرای قرارداد در شرایط خاصی صورت می‌گیرد؛ از جمله آنکه قرارداد باید معوض و تعهدات باید حال باشند. این حق مانع از سوءاستفاده طرف مقابل می‌شود؛ چراکه اگر امتناع طرف قراردادی از انجام قرارداد مجاز شمرده نشود، عملاً در وضعیتی قرار می‌گیریم که یک طرف تعهدات خویش را ایفا می‌نماید و طرف مقابل برخوردار از اجرای متعهد می‌شود، بدون اینکه تعهدات مرتبط با خود را انجام داده باشد (Terré, Simler et Lequette, 2018, p.769).

۳-۲. اختیار قاضی در تعدیل

در حقوق روم اصل بر تشریفاتی بودن تمام اعمال حقوقی بوده است و این موضوع در قراردادها مشاهده می‌شود، ولی به مرور زمان به آزادی طرفین در جهت اعمال اراده احترام گذاشته شد و هر عقدی قابل انعقاد و تغییر بود. اما در کنار آن، مفهوم حقوقی شرط (Stipulatio) که از آن به‌عنوان تعهد یاد می‌کنیم، قالبی است که قانونگذار رومی وضع کرده بود تا در آن شاکله قانونی توافقات طرفین ابراز گردد و در اثر آن، تعهدات و قرارداد آنان قطعی و غیرقابل تغییر در نظر گرفته شود. وجه التزام نیز به شکل تعهدی مستقل به توافق طرفین می‌رسید و امکان تجدیدنظر مجدد در آن وجود نداشت. همچنین در حقوق فرانسه، پوتیه (Pothier)، حقوق‌دان مشهور، وجه التزام را به‌عنوان موضوعی اتفاقی مورد شناسایی قرار داد و بر این اساس آن را جدای از کلی ماهیت قراردادی در نظر

گرفت که هیچ‌گونه ارتباطی با ارزش اقتصادی قرارداد ندارد (Deroussin, 2007, p.355). به مرور زمان دیدگاهی نو در زمینه شناسایی مفهوم وجه التزام ارائه شد و چهره حقوقی بر ماهیت کیفری آن غلبه یافت. اما قابلیت تغییر مبلغ وجه التزام مسئله‌ای بود که از سوی نظریه‌پردازان مورد بحث قرار گرفت و گاهی ضرورت تجدیدنظر در مبلغ وجه التزام به واسطه عدم تعادل با ارزش عوضین بیشتر احساس می‌شد. تمامی تلاش‌ها و گاه رویه‌های قضایی موجب شد تا قانونگذار فرانسه در اصلاحات اخیر خود در ماده ۵-۱۲۳۱ قانونی مدنی راهکارهایی را تبیین نماید. اختیار افزایش یا کاهش وجه التزام به دادرسی اعطا شده است. همچنین میزان این شرط در صورت اجرای جزئی تعهدات، به تناسب عدم اجرا در نظر گرفته می‌شود (Cabrilac, 2020, p.221).

متعادل گردانیدن وجه التزام حتی اگر از دیدگاه کیفری مد نظر قرار گیرد قابل توجیه است. هر مجازاتی اعم از آنکه وجه کیفری یا خصوصی داشته باشد، تحت نظارت دادرسی باید قرار گیرد تا شخصی بودن مجازات‌ها را اعمال نماید (Saleilles, 2018, p.232). این مهم با این استدلال نیز مورد تأکید قرار گرفته که قدرت قاضی برگرفته از انصاف است. هرچند نسبت به جایگاه انصاف (Equité) در حقوق قراردادها تردیدهایی وجود دارد، اما اکثر حقوق‌دانان این قدرت را برای دادرسی در نظر می‌گیرند تا عدالت را در رابطه حقوقی برقرار سازند و مانع از آن شوند تا یک طرف قرارداد با سوءاستفاده از ابزار حقوقی بر طرف دیگر تسلط و برتری ناحقی یابد (Carbonnier, 2017, p.1918). قدرت قاضی در تعدیل به‌عنوان یکی از قواعد آمرانه است و توافق طرفین مبنی بر آنکه دادرسی این امکان را نداشته باشد به‌عنوان شرطی باطل در نظر گرفته می‌شود و دادگاه به اصل موضوع رسیدگی می‌نماید. همچنین در صورتی که طرفین به موجب سند رسمی توافقاتی انجام دهند و ضمن آن به وجه التزام غیرمتعارف نیز توافق کنند و متعهدله رأساً از طریق اجرای احکام در مقام اعمال آن برآید، دادیار اجرای احکام با آنکه اختیارات رسیدگی ماهوی ندارد، ولی می‌تواند از اجرای وجه التزام غیرمتعارف خودداری ورزد و نیز آن را متعادل گرداند. ماده 6-213 L از قانون ساختار قضایی (Code de L'organisation Judiciaire) فرانسه چنین مجوزی را برای دادگاه در نظر گرفته است (Dalloz actualité, 20 juin 2014, No.13-16. 053: Civ. 2 e, 5 juin 2014, obs. Avena-Robardet). دادرسی در مقام متعادل کردن وجه التزام باید یک نگاه جامع به تمام شرایط و اوضاع و احوال قراردادی داشته باشد، و وضعیت خاص متعهد از لحاظ اینکه معسر است، نمی‌تواند عاملی در کاهش مبلغ وجه التزام باشد. در مورد شخص حقوقی، تاجری که

توانایی مالی شکننده‌ای دارد و در شرف توقف از پرداخت (Cession de Paiement) دیون است، موجب نمی‌شود که میزان تضمین قراردادی او غیر متعارف تشخیص داده شده، برای کاهش آن اقدام شود (Civ. Ire, 14 Nov. 1995, No.94-04. 008). برخی از محاکم بر معیار ارزیابی میزان خسارات وارده تأکید دارند و با ارجاع موضوع به کارشناس این مهم را به دست می‌آورند و در عمل، چنانچه هیچ خسارتی از عدم ایفای تعهدات به بار نیاید، رأی به رد وجه التزام می‌دهند (Com. 16 Mazeaud, D. 1992, 365, note D. juill. 1991). این موضوع مورد نقد واقع شده است؛ چراکه عدم اجرای تعهدات خود فی نفسه نوعی خسارت قراردادی محسوب می‌شود و طرف دیگر وجه التزام مقید به ورود خسارت نیست و در عمل وسیله‌ای جهت اجبار به وفای عهد است. البته برخی از دادگاه‌های تجدیدنظر فرانسه این اختیار را پذیرفتند که دادرس بتواند رأساً وجه التزام متعهدله را به واسطه عدم احراز ایجاد خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد درخواست کند، و تأکید بر آن داشتند که حداقلی از وجه التزام در نظر گرفته شود (Com. 23 mars 1999, No.97-11. 835).

۴. وضعیت وجه التزام در حقوق ایران

ماهیت حقوقی وجه التزام در حقوق ایران نیز همواره محل مناقشه میان حقوق دانان بوده و وجدان بیدار هر فردی در پی این موضوع است تا با ارائه نظریاتی این نهاد حقوقی را تلطیف نموده، عدالت معاوضی را در تمام مراحل عقد برقرار سازد (محقق داماد و اسفندیار، ۱۳۹۸، ص ۲۶). از لحاظ پیشینه تاریخی، وجه التزام با تصویب قانون مدنی بعد از سال ۱۳۵۷ وارد نظام حقوقی ایران شد. سابق بر این، ماده ۷۱۹ قانون آئین دادرسی مدنی وجود داشت که بعد از انقلاب اسلامی ایران فقهای شورای نگهبان بر عدم اعمال آن در نظام حقوقی ایران نظر داشتند؛ چراکه وجود ربا در آن را احراز کرده بودند و پس از آن، ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی فعلی را داریم که فقها با استدلال‌های فقهی - حقوقی جنبه تنبیهی خسارت تأخیر در تأدیه را می‌پذیرند. اما در زمینه وجه التزام که مرتبط با ماده ۳۲۰ قانون مدنی می‌شود، خود بیانگر وجود دیدگاهی کلاسیک از این شرط جزایی یا تضمین قراردادی است که برگرفته از حقوق فرانسه است و اصلاحیه‌ای در این خصوص نیز صورت پذیرفته است. با وجود این حقوق دانان و قضات دادگاه‌ها در صورت غیرعادی بودن میزان این تضمین قراردادی بر مؤثر نبودن آن نظر دارند و نمی‌توان نقش آرای دادگاه‌ها را کم‌اهمیت جلوه داد. دادرس خویش را از موانع قانونی رها می‌سازد و با توجه به اصول کلی حقوق و در چهارچوب قانون

سعی بر ایجاد عدالت قضایی در رابطه حقوقی طرفینی دارد. در نقطه مقابل، دیدگاه برخی از حقوق دانان بر غیرقابل تغییر بودن وجه التزام قرار گرفته است. اساس نظر آنان بر این استدلال قوام یافته که این شرط قراردادی ماهیتی تنبیهی دارد و در واقع نوعی عقوبت عدم ایفای تعهدات عقدی است؛ لذا میزان آن بر مبنای همین جنبه کیفری قابل کاهش نیست (رنجبر و سالاری پور، ۱۳۹۰، ص ۲۶). همچنین اصطلاح شرط جزایی مالی تأکیدی دیگری بر این موضوع است. اما عده‌ای دیگر به وصف ترمیمی وجه التزام معتقدند و بر آن تأکید دارند که جبران خسارات قراردادی هدف اصلی از توافق طرفین است (حسینی مدرس و گلشيفته، ۱۳۹۲، ص ۲۸).

در اکثر مباحث حقوق قراردادهای منابع مفید فقهی را داریم. در زمینه وجه التزام نیز فقها ذیل شرط ضمن عقد به این بحث پرداخته‌اند و شاهد منابع غنی در مورد وجه التزام هستیم. اما از نگاه قانونی، قانونگذار به تبعیت از حقوق فرانسه در صدد شناسایی صرف آن بوده است. از باب مشروع و قابل پذیرش بودن چنین تعهد قراردادی می‌توان به اصول و قواعد کلی فقهی استناد کرد؛ از جمله قاعده تسلیط که این امکان را فراهم می‌آورد تا افراد در اموال خویش هرگونه تصرفی را بنمایند و هر تعهد موجد اثر مالی را بپذیرند، و یا اینکه بر حسب قاعده «المؤمنون عند شروطهم» هر متعهده‌ی مکلف به پایبندی نسبت به تعهداتش است و امکان خودداری از آن وجود ندارد (موسویان و میثمی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۷). اما آیا بر مبنای موازین فقهی زیاده یا گزاف بودن مبلغ وجه التزام قابل پذیرش است؟

دادگاه‌ها بر حسب برخی اصول، وجه التزام قراردادی غیر معقول را قابل قبول نمی‌دانند؛ نخست آنکه قراردادهای خصوصی میان افراد به موجب صراحت قانون در صورتی در محاکم مؤثر و قابل شناسایی است که برخلاف اخلاق حسنه و نظم عمومی جامعه نباشد. قراردادهایی که مبلغ وجه التزام آنها نسبت به ارزش اقتصادی قرارداد بسیار بالا باشد، هر چند بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی بر اعتبار قیود و شروط عقدی استدلال می‌شود، ولی در عین حال باید توجه داشت که در نگاه کلان، این موضوع، یعنی غیر متعارف بودن وجه التزام، می‌تواند نظم عمومی جامعه را تحت شعاع قرار دهد. همواره قرارداد به‌عنوان وسیله عادلانه در توزیع ثروت میان جوامع بشری شناخته شده است و چنانچه امکان درج هر شرط غیر عادلانه در آن وجود داشته باشد، این موضوع باعث برهم خوردن

نظم عمومی جامعه می‌گردد.^۳ ثانیاً معقول بودن تعهدات اصلی و فرعی قراردادی که بر مبنای بنای عقلا سنجیده می‌شود، یکی از شرایط اساسی اعتبار آنهاست. خردمندان جامعه وجود وجه التزامی را که نسبت به قرارداد اصلی دارای ارزش اقتصادی نسبتاً بالایی است، نمی‌پذیرند (حسینی مدرس و گلشیفته، ۱۳۹۲، ص ۳۰). از سوی دیگر ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیک بر منصفانه بودن شروط ضمن عقد تأکید دارد؛ هرچند این مقوله در این قانون ذکر شده است، اما می‌توان گفت که باید یک نگاه کلی به این مقرر قانونی انداخت و به‌طور کلی به منصفانه بودن شروط در نظام حقوقی ایران اعتقاد داشت (تقی‌زاده و احمدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰). ثالثاً حفظ تعادل اقتصادی قرارداد یک ضرورت مهم در حقوق قراردادهاست. در صورتی که این توازن مالی مخدوش گردد، قانونگذار راهکارهایی در جهت حفظ قرارداد پیشنهاد می‌نماید. تعدیل عقد؛ بر حسب تغییر شرایط اقتصادی و اجتماعی برگرفته از چنین مقوله‌ای است. در شرایط فعلی جامعه که دچار ویروس کرونا شده و یک پاندمی در سراسر عالم حکم فرماست، برخی کشورها تعدیل قراردادهای تجاری را پذیرفته و در حقوق ایران نیز دادگاه‌ها با صدور بخشنامه‌هایی زمینه تعدیل عقود را فراهم ساخته‌اند؛ این موضوع می‌تواند در مورد وجه التزام نیز اعمال گردد. در صورتی که تعادل لازم میان میزان آن با ارزش اقتصادی قرارداد وجود نداشته باشد، دادگاه می‌تواند آن را تعدیل کند و مبلغی معقول را در نظر بگیرد. اما برخی از آرای قضایی ضمن اذعان به اصول یادشده، کل مبلغ وجه التزام را نمی‌پذیرند و این در حالی است که رعایت انصاف و عدالت ایجاب می‌نماید که وجه التزام قراردادی معتدل گردد (کاتوزیان، ۱۳۸۳، ص ۲۴۰). در خصوص توجیه پذیرش تعدیل باید از مبانی فقهی-حقوقی مستحکمی بهره‌جوییم. قواعدی همچون قاعده عسر و حرج، قاعده میسر و قاعده لاضرر

۳. چگونگی برهم خوردن نظم عمومی بر اثر وجه التزام غیر متعارف، یک سؤال قابل توجه است. اما در رویه قضایی بارها به عناوینی همچون حفظ نظم عمومی در باب عدم پذیرش وجه التزام غیر متعارف رویه‌رو هستیم. به نظر می‌رسد استناد به چنین دلیلی می‌تواند قابل توجه باشد، با این استدلال که هرچند قراردادها محل احترام به اراده طرفین و آزادی قراردادی است، اما بایدها و نبایدهایی را که مرتبط با نظم عمومی و اخلاق حسنه است هم باید رعایت شود. اگر ما این اختیار مطلق در درج هرگونه شرطی را به طرفین بدهیم از بعد کلی نظم عمومی تحت الشعاع قرار می‌گیرد. تصور کنیم در قراردادی که ارزش اقتصادی عوضین حدود ۲ میلیون تومان باشد و وجه التزام یک میلیاردی در نظر گرفته شود و حکم به آن نیز داده شود، نظم عمومی جامعه به مرور زمان در نگاه کلی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و گاه از این شروط در عمل سوء استفاده خواهد شد.

۴. در حقوق ایران، ماده قانونی که این مجوز تعدیل را داده باشد نمی‌توان پیدا کرد، اما از نگاه دکتترین و رویه قضایی قابل پذیرش است که در دو منبع اخیر به اصول کلی حقوقی استناد می‌کنند و تعدیل را مجاز می‌شمرند.

و غبن حادث می‌توانند هر یک به نوبه خود مبنای قابل قبولی را برای امکان و ضرورت تعدیل ارائه دهند. از نگاه فقهی، در کلیه مراحل از حیات یک عقد ضرورت تعادل اقتصادی احساس می‌گردد از زمان انعقاد تا اجرا تعهدات باید چنین توازنی وجود داشته باشد. اگر چنانچه این مهم مخدوش گردد ضرر بسیاری وارد می‌شود که قابل پذیرش نیست.

نکته تأمل برانگیز، ماهیت حقوقی وجه التزام در تعهدات پولی است که در حقوق ایران بسیار متداول بوده، در ماهیت با وجه التزام در تعهدات غیر پولی متفاوت است. در برخی قراردادها که موضوع آن پرداخت وجه نقد به طرف مقابل است، وجه التزام به مبلغ مشخصی مورد توافق قرار می‌گیرد و در صورتی که طرف مقابل دیون پولی خویش را پرداخت نکند، این شرط قراردادی قابلیت اجرا پیدا می‌کند. با توجه به اینکه در خصوص اعتبار قانونی تعیین وجه التزام قراردادی در تعهدات مالی بیش از شاخص نرخ تورم اعلامی موضوع ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی، از سوی دادگاه‌ها آرای متفاوتی صادر شده بود، این امر به صدور رأی وحدت رویه منتهی گردید (رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ مورخ ۱۶ دی ۱۳۹۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور) که به موجب آن، افزایش میزان وجه التزام در تعهدات پولی بیشتر از نرخ بانک مرکزی، مجاز شناخته شده است. رأی دیوان در مورد عقود است که موضوع تعهد آن وجه نقد می‌باشد. این موضوع فی نفسه می‌تواند نقش مهمی در الزام به تعهدات قراردادی ایفا کند؛ به خصوص آنکه طرف مقابل از تسهیلات اعتباری استفاده کرده باشد و چنانچه الزامات مناسبی وجود نداشته باشد سبب می‌گردد تا مقروضان سیستم بانکی به طور فزاینده‌ای افزایش یابند. هر چند بحث ماده ۲۳۰ قانون مدنی و ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی مطرح می‌شود، ولی به نظر می‌رسد که دیوان در مقام احترام به توافقات قراردادی بوده است و فقهای شورای نگهبان در پاسخ به سؤالات مربوط به مازاد بودن وجه التزام بر نرخ بانک مرکزی و بر اعتبار آن نظر داده‌اند. اما در زمینه قراردادهای تجاری بین‌المللی امکان درج وجه التزام فراتر از نرخ بانک‌های مرکزی کشورهای دیگر غیرقانونی است؛ برای مثال در نظام حقوقی فرانسه میزان چنین مبلغی نباید بیشتر از نرخ بانک مرکزی باشد و علت این موضوع آنست که نرخ تورم بسیار نازل، و سود بانکی هم حداقل است؛ هر چند که شرایط قرارداد ضرورت وجود آن را توجیه می‌نماید، به خصوص زمانی که در رابطه قراردادی یکی از طرفین مبلغ قابل توجهی به عنوان ثمن به طرف مقابل پرداخت می‌کند و محتمل است که اجرای قرارداد با مانع روبرو شود و مسئله عودت دادن ثمن مطرح گردد. در این وضعیت چنانچه طرف مقابل از برگرداندن ثمن امتناع

کند به خریدار ضرر قابل توجهی وارد می‌شود و ازسوی دیگر ممکن است استفاده از برخی تضمین‌های حقوق بانکی عملاً امکان‌پذیر نباشد؛ نظیر آنکه قرارداد خرید ۱۰۰۰ رأس گوسفند از نژاد خاص بین تاجر ایرانی و فرانسوی واقع شود و در قرارداد، پرداخت تمام ثمن قبل از ایفای تعهدات فروشنده قید گردد و به واسطه تحریم‌های بین‌المللی دریافت ضمانت بانکی از بانک‌های اروپایی فراهم نباشد. در این شرایط، قید وجه التزام عدم ایفای تعهدات طرف مقابل به‌عنوان آخرین راهکار در نظر گرفته می‌شود و توافق بر آن قرار می‌گیرد که به ازای هر روز تأخیر، مبلغی معین به‌عنوان وجه التزام در نظر گرفته شود. دادگاه‌های فرانسوی وجه التزام تعهداتی را که موضوع آن وجه نقد بوده و فراتر از نرخ بانک مرکزی است، معتبر نمی‌شمارند، اما همان‌گونه که اشاره شد، دیوان عالی ایران بر حسب رأی مورخ ۱۶ دی ۱۳۹۹، امکان مازاد بودن وجه التزام از نرخ بانک مرکزی را در تعهدات پولی می‌پذیرد، اما تجویز ضمنی ربا در معاملات ایرادی است که می‌توان در مورد رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور گرفت؛ چراکه مطالبه مبلغی بیشتر از میزان ثمن قراردادی یا فراتر از نرخ بانک مرکزی ربا محسوب می‌شود. نکته حائز اهمیت در رأی دیوان عالی وجود یک پیش‌شرط اعتبار وجه التزام قرارداد بانکی و آن هم عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی است. از قسمت اخیر رأی وحدت رویه می‌توان امکان تعدیل در وجه التزام تعهدات پولی را استخراج نمود. در گذشته، دیوان عالی به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴، بر بی‌اعتباری میزان بهره و سود بانکی مازاد بر نرخ تعیین‌شده از سوی بانک مرکزی تأکید داشته است (رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ مورخ ۲۱ مرداد ۱۳۹۹ هیئت عمومی دیوان عالی کشور). بر اساس این مقرر می‌توان امکان تعدیل وجه التزام مازاد بر نرخ قانونی را استدلال نمود، اما این موضوع در مورد وجه التزام تعهدات غیر پولی مصداق پیدا نمی‌کند.

نتیجه

متعهدله در برابر متعهد ممتنع از اجرای تعهد، ضرورتاً مکلف به طی فرایند الزام اجباری قرارداد است و چنانچه تمام تلاش‌های حقوقی به نتیجه نرسد، در نهایت آخرین مرحله فسخ است. حفظ تمامیت قراردادها و تحقق تعهدات به‌عنوان یک اصل برای قانونگذاران مطرح بوده و سعی بر آن است تا از راهکارهای متفاوتی مدد گرفته شود. ایجاد الزامات مالی که گاه ممکن است از کلیت ارزش اقتصادی قرارداد فراتر رود، از مواردی است که از آن با عنوان وجه التزام یاد می‌شود. این

شرط ماهیتاً دو ویژگی اساسی دارد؛ از یک سو عاملی است در جهت ایجاد الزام متعهد تا تعهدات را ایفا نماید که در صورت تخلفی باید ضمانت اجرای مالی سنگینی پدید آید و از سوی دیگر ماهیت جبران خسارت نیز در وجه التزام قابل توجه است و همان گونه که قانونگذار فرانسه بیان داشته است، طرفین در هنگام انعقاد قرارداد نسبت به میزان خسارات وارده ناشی از عدم اجرای قرارداد با یکدیگر توافق می نمایند.

موضع حقوقی ایران را باید در دو مقطع زمانی مورد بررسی قرار دهیم؛ در وهله اول با توجه به صراحت قانون مدنی در ماده ۲۳۰ که چنانچه طرفین بر مبلغی به عنوان خسارت ناشی از عدم اجرای تعهدات توافق کرده باشند، دادگاهها امکان دخالت در این عقد را ندارند و در صورتی که دعوی اقامه گردد، باید همان مبلغ موضوع حکم دادگاه قرار بگیرد. رویه قضایی بر تأیید هر میزان وجه التزام بوده است، اما به مرور زمان برخی از قضات بر عدم پذیرش وجه التزامهای غیر متعارف نظر داشته اند و در توجیه دیدگاه خویش در رویارویی با ماده ۲۳۰ قانون مدنی استدلال می کنند که هر چند قانون عدم تجدیدنظر در توافقات طرفین را مطرح می کند، اما متعارف بودن مبلغ وجه التزام به عنوان امری بدیهی مورد نظر قانون بوده است و از سوی دیگر تعادل اقتصادی تعهدات قرارداد به عنوان یک اصل باید از مرحله انعقاد تا مرحله اجرا و در تمام جزئیات عقد حفظ شود. اما نکته قابل توجه آن است که به طور کلی دادگاهها اگر بدو به موضوع رسیدگی کنند، کلیت وجه التزام را نمی پذیرند و اگر سابقاً داور در ماهیت پرونده رأی صادر کرده باشد، دادگاه رأساً نظر بر ابطال می دهد و در کلیه این موارد بحث تجدیدنظر در میزان وجه التزام و متناسب سازی آن مطرح نمی شود. البته آرای قضایی محدودی بر تعدیل وجه التزام در تعهدات غیر پولی صادر شده است، اما لازم است قانون از دیدگاههای کلاسیک نسبت به این مفهوم حقوقی فاصله بگیرد و به دیدگاهها و دکترین حقوقی جدید روی بیاورد و بر اساس نظر کارشناس، اختیار متعادل سازی را به دادگاهها تفویض نماید که از این طریق عدالت قراردادی تحقق یابد؛ چراکه در فرض رد کلیت وجه التزام نامتعارف، در ماهیت امر، ورود خسارت مشاهده می شود. قانون فرانسه بعد از تبعیت از حقوق روم در پذیرش وجه التزام، در اصلاحات بعدی قانون، به خصوص در سال ۲۰۱۶، اصلاحاتی را اعمال کرده است؛ امری که به پویایی حقوق قراردادهای کمک شایانی نموده است. در همین زمینه در صورت اجرای جزئی قرارداد و عدم ایفای سایر تعهدات، دادگاههای فرانسوی می توانند وجه التزام را به میزان عدم اجرا کاهش دهند.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. تقی‌زاده، ابراهیم و افشین احمدی؛ «جایگاه شروط غیر منصفانه در حقوق ایران با نگاهی به ماده ۴۶ قانون تجارت الکترونیکی»، پژوهش حقوق خصوصی؛ ش ۱۰، فروردین ۱۳۹۴، ص ۹-۴۲.
۲. حسینی مدرس، سید مهدی و عصمت گلشیفته؛ «طریق جبرانی پرداخت خسارت نقض تعهدات قراردادی در حقوق انگلستان و طرح آن در حقوق ایران»، دانش حقوق مدنی؛ ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، ص ۲۷-۳۹.
۳. رنجبر، رضا و اسماعیل سالاری پور؛ «بررسی ماهیت و مبانی فقهی حقوقی وجه التزام»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی؛ ش ۸ و ۹، تابستان و پاییز ۱۳۹۰، ص ۶-۳۷.
۴. شعاریان ستاری، ابراهیم، ناصر مسعودی، حیدر باقری اصل و سعیده باقری اصل؛ «ماهیت حق انصراف در قراردادهای الکترونیکی»، فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی؛ ش ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، ص ۳۲-۷.
۵. صاحب، طیبه و عباس مرادی؛ «حق انصراف از انتشار آثار ادبی (مطالعه تطبیقی در اسناد بین‌المللی و برخی نظام‌های حقوقی شناسایی‌کننده این حق)»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی؛ ش ۱۳، تابستان ۱۳۹۹، ص ۱۱۵-۱۴۰.
۶. صفایی، سیدحسین؛ حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها؛ ج ۲، ج ۳۲، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۸.
۷. کاتوزیان، ناصر؛ «سوء استفاده از حق یا تقصیر در اجرای حق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران؛ ش ۲۱، زمستان ۱۳۵۸، ص ۱۰۳-۱۱۵.
۸. کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها؛ ج ۴، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۳.
۹. محقق داماد، سیدمصطفی و خشایار اسفندیار؛ «عدالت قضایی و نقش آن در مطالبه خسارت قراردادی»، مجله حقوقی دادگستری؛ ش ۱۰۸، زمستان ۱۳۹۸، ص ۲۵-۴۹.
۱۰. مقصودی، رضا و حسین داودی؛ «توافق بر خسارت تأخیر در تأدیه با تأکید بر رویه قضایی»، فصلنامه رأی؛ مطالعات آرای قضایی؛ ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۴، ص ۱۷-۳۶.
۱۱. موسویان، سیدعباس و حسین میثمی؛ «ارزیابی راهکارهای پیشنهادی به منظور حل چالش جریمه تأخیر تأدیه در بانکداری اسلامی»، فصلنامه روند؛ ش ۸۰، زمستان ۱۳۹۶،

ص ۱۱۳-۱۳۹.

۱۲. هراتی، مصطفی؛ «بررسی تطبیقی جایگاه "جهت" در حقوق قراردادهای ایران و حقوق نوین فرانسه»، مجله حقوق تطبیقی؛ ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۹، ص ۳۸۱-۴۰۴.
13. Boyer, Louis, La clause de dédit, Mélanges Raynaud. F. Bénac-Schmidt, Le contrat de promesse unilatérale de vente, Paris, LGDJ, 1983
14. Carbonnier, Jean, Droit civil, Les biens, Les obligations, v. II, 2re éd, Paris, Guadriage, 2017
15. Cabrillac, Rémy, Droit des obligations, 14e éd. Paris, Dalloz-cours, 2020.
16. Deroussin, David, Histoire du droit des obligations, 2e éd. Paris, Economica, 2007
17. Flour, Jacques, Aubert, Jean-Luc, Savaux Eric, Droit civil ; les obligations t. 3; le rapport d'obligation, 9e édition, Paris, Université-Dalloz, 215
18. Laithier, Yves-Marie, Etude comparative des sanctions de l'inexécution du contrat, Paris, L. G. D. J, 2004
19. Mazeaud, Denis, La notion de clause pénale, Paris, LGDJ, 1992
20. Najjar Ibrahim, Le droit d'option: contribution à l'étude du droit potestatif et de l'acte unilatéral, bibl. droit privé, LGDJ, 1967
21. Saleilles, Raymond, Etude sur la théorie générale de l'obligation d'après le premier projet de code civil pour l'empire allemand, 3 Edition, Paris, Hachette, 2018
22. Terré, François, Simler, Philippe et Lequette, Yves, Droit civil: Les obligations, 12e, Dalloz, 2018
23. Hébert, Sophie, «Le pacte comissoire après l'ordonnance du 23 mars 2006», Recueil Dalloz, p.2052-2058, 2007
24. Khalak, Osman Mourad, «l'efficacité de l'astreinte et de la clause pénale dans le contentieux contractuel: mythe ou réalité ?», Journal of

Law, Volume (15), Issue (2), pp.376-41, 2018

25. Lemay, Pierre, «La clause pénale en nature», Revue Trimestrielle de Droit Commercial (RTD Com), Dalloz, pp.801-819, 2017
26. Ton Isabelle, «l'articulation des sanctions contractuelles de l'inexécution du contrat avec les solutions de droit commun», Droit & Patrimoine, No.291, 2019
27. Cass. 1re civ., 9 mars 1977: Bull. civ. I, n° 126
28. Civ. 1re, 14 Nov. 1995, n°. 94-04. 008
29. Com. 16 juill. 1991, D. 1992, 365, note D. Mazeaud
30. Com. 23 mars 1999, n° 97-11. 835
31. CA Colmar, 1re ch., 26 janv. 1983: JurisData n° 1983-040401
32. Civ. 2 e, 5 juin 2014, n°. 13-16. 053: Dalloz actualité, 20 juin 2014, obs. Avena-Robardet
33. Cass. com. 5-12-2018 n° 17-22. 346 F-D
34. Com. 1974, Bull. civ. IV, n° 78
35. Civ. 1 re, 12 févr. 1964, Bull. civ. I, n° 82
36. Com. 24 mars 1998, n° 96-15. 694
37. Cour de cassation, 3e civ., 30 janvier 1979
38. Cour de cassation, 3e civ., 22 juillet 1998